


Etude contrastive de l'adjectif qualificatif dans les langues persane, française et russe

Nahid Djalili Marand

Département de Français, Faculté des Lettres, Université Alzahra, Téhéran, Iran

Nahideh Kalashi¹ (Auteur correspondant) 

Département de la Langue russe, Faculté des Lettres, Université Alzahra, Téhéran, Iran

Résumé

Divers types d'adjectifs ont une présence massive dans toutes les langues vivantes, jouant leurs différentes fonctions en grammaire de celles-ci. Cette question cruciale a aiguisé notre curiosité et nous a incités à mener une recherche contrastive dans ce domaine. Parmi ces adjectifs, nous avons choisi d'étudier les qualificatifs en trois langues : le persan, le français et le russe. Vu les décalages linguistique et culturel entre ces langues, nous nous sommes interrogées sur les convergences et les divergences de cette notion grammaticale dans les trois langues en question. Pour ce faire, en adoptant la méthodologie descriptive et analytique, nous avons examiné cet adjectif dans ses diverses fonctions ainsi que dans son emploi rhétorique, sans négliger sa présence dans les noms composés, la mise en apposition, l'apostrophe, etc., en utilisant un éventail d'exemples à l'appui. Une fois cette notion grammaticale examinée minutieusement lors d'une étude trilingue, nous avons obtenu les résultats suivants : l'adjectif qualificatif français se caractérise par sa variabilité en genre et en nombre. Sa position avant ou après le nom revêt également une importance toute particulière selon certains critères. Il en va de même pour la langue russe. En revanche, en persan, ce type d'adjectif reste invariable en genre et en nombre, bien que ce dernier existe dans l'appareil nominal de cette langue. Quant à sa position par rapport au nom, il tient constamment une place fixe, postposée, quel que soit le type de nom.

Mots-clés: Adjectif qualificatif, Grammaire, Langues persane, française et russe, Genre, Nombre.

¹. E-mail: n.kalashi@alzahra.ac.ir DOI: <https://doi.org/10.22067/RLTF.2024.86522.1102>
<https://orcid.org/0000-0001-8691-3959>

A Comparative Study of Qualitative Adjective in Persian, French and Russian Languages

Nahid Djalili Marand

Department of French, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran

Nahideh Kalashi¹ (Corresponding author) 

Department of the Russian Language, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran

Abstract

Various types of adjectives have remarkable presence in all living languages and play their different functions in grammar. Among these adjectives, qualitative adjective in Persian, French and Russian were selected for this study. Given the linguistic and cultural differences among these languages, the study tried to explore the similarities and differences of this grammatical concept in the languages in question. Adopting a descriptive and analytical method, this study examined this adjective in its various functions as well as in its rhetorical use without ignoring its presence in compound nouns, apposition, apostrophe, etc. and provided a range of supporting examples. Once this grammatical notion was carefully examined during a trilingual study, the following results were obtained. The French qualitative adjective is characterized by its variability in gender and number. Its place before or after nouns according to certain criteria is also of particular importance. The same goes for the Russian language, whereas in Persian, this type of adjective remains invariable regarding gender and number, although the latter exists in the nominal apparatus of this language. As for its place in relation to the noun, it constantly holds a fixed postposed place regardless of the noun type.

Keywords: Qualitative Adjective, Grammar, Persian, French, Russian, Gender, Number.


¹. E-mail: n.kalashi@alzahra.ac.ir DOI: <https://doi.org/10.22067/RLTF.2024.86522.1102>
<https://orcid.org/0000-0001-8691-3959>

مطالعه تطبیقی صفت بیانی در زبان‌های فارسی، فرانسه و روسی

مقاله پژوهشی

ناهید جلیلی مرند

گروه زبان فرانسه، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

ناهیده کلاشی^۱ (نویسنده مسئول) 

گروه زبان روسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

چکیده

انواع مختلف صفت به‌عنوان یکی از اجزاء پریسامد جمله در زبان‌های زنده دنیاست. برای محدودکردن موضوع پژوهش، ما صفت بیانی را برای مطالعه تطبیقی در سه زبان فارسی، فرانسه و روسی در مقاله حاضر انتخاب کرده‌ایم. از آنجائی که این سه زبان در سه محدوده جغرافیایی و فرهنگی گویش‌وران خود را دارند و باتوجه به تفاوت‌های آن‌ها از لحاظ نحوی، دستوری و واژگانی، این پرسش برای ما مطرح شده که وجوه اشتراک و افتراق این عنصر دستوری در این زبان‌ها چیست؟ با روش توصیفی، تحلیلی و کتابخانه‌ای و استناد بر تعاریف زبان‌شناسان ایرانی، فرانسوی و روسی، انواع صفت بیانی را در موارد مختلف از جمله نقش دستوری، استفاده بلاغی، حضور آن در اسامی مرکب، در بدل و غیره با ذکر مثال‌های گوناگون مطالعه کرده و به نتایج دست یافته‌ایم. تغییرپذیری این صفات از نظر جنس (مذکر و مؤنث) و شمار (مفرد و جمع) و محل قرارگیری آن‌ها نسبت به موصوف از خصوصیات آن‌ها در زبان فرانسه است. همچنین، از مهم‌ترین وجوه تمایز این صفات در زبان روسی ویژگی‌های ظاهری، نقش و جایگاه آن‌ها در ساختار جمله و وجود جنس و شمار دستوری با قابلیت صرفی است، در صورتی که تغییرناپذیری از لحاظ جنس و شمار، همینطور جایگاه تقریباً ثابت آن‌ها از بارزترین تفاوت‌های این صفات در فارسی با دو زبان دیگر است.

کلیدواژه‌ها: صفت بیانی، دستور زبان، زبان فارسی، فرانسه، روسی، جنس، شمار.

¹. E-mail: n.kalashi@alzahra.ac.ir DOI: <https://doi.org/10.22067/RLTF.2024.86522.1102>
<https://orcid.org/0000-0001-8691-3959>

۱. مقدمه

صفت به‌عنوان یکی از اجزاء جمله و عناصر دستوری از پربسامدترین کلمات در زبان‌های زنده دنیا مانند فارسی، فرانسه و روسی یعنی سه زبان مورد مطالعه در این مقاله است. برای محدود کردن موضوع و پرداختن به عمق مطلب، از میان صفات، «صفت بیانی» را انتخاب کرده‌ایم که در هرزبانی ساختار و انواع خود را دارد. به گفتهٔ ناتل خانلری، صفت کلمه‌ای است که به اسم اضافه می‌شود تا حالت و چگونگی آن را بیان نماید (خانلری، ۱۳۸۸، ص. ۱۵۵). نکتهٔ دیگر این‌که همیشه همراه اسم و ضمیر به‌کار می‌رود و به‌نوعی آن‌ها را مشخص می‌کند (ارژنگ، ۱۳۵۰، ص. ۴) مگر این‌که به‌جای اسم بنشیند و نقش آن را برعهده بگیرد. در زبان فرانسه و روسی نیز صفت بیانی^۱ چنین نقشی دارد. لازم به یادآوری است در زبان روسی، همهٔ اقسام مستقل کلام به‌غیر از قید صرف می‌شوند، در نتیجه، صفت بیانی^۲ هم از این امر مستثنی نیست.

باتوجه به تفاوت این سه زبان از لحاظ نحوی، دستوری و واژگانی، این پرسش برای ما مطرح است که وجوه اشتراک و افتراق صفت بیانی از نظر ساختار و نقش آن در فارسی، فرانسه و روسی چیست؟ برای یافتن پاسخی مناسب برای این پرسش پژوهش، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای، صفت بیانی را در این سه زبان با ذکر مثال‌های مختلف مورد مطالعه تطبیقی قرار می‌دهیم.

۲. پیشینهٔ پژوهش

صفت از جمله عناصر دستوری است که پژوهش‌های بسیاری به آن اختصاص داده‌شده، چه در زبان فارسی، چه در مطالعات تطبیقی با زبان‌های دیگر که از میان آن‌ها می‌توان به برخی اشاره کرد: «بررسی مقایسه‌ای صفت در زبان‌های فارسی و آلمانی» عنوان مقاله‌ای به قلم پرویز البرزی‌ورکی در پژوهش زبان‌های خارجی (۱۳۸۲) است که به مطالعهٔ تطبیقی صفت پرداخته‌است. نگارندهٔ مقاله این فرضیه را مطرح کرده که شناسایی صفت در زبان آلمانی با ملاک‌های ساخت‌واژی و نحوی صورت می‌گیرد، اما در فارسی اغلب مرز دقیقی بین صفت و سایر موارد دستوری وجود ندارد، در نتیجه، شناسایی آن به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. آنچه

1. Adjectif qualificatif

2. Качественное прилагательное

مربوط به این پژوهش در زبان فرانسه است، «بررسی مقایسه‌ای ساختار و نقش صفت در زبان‌های فارسی و فرانسه» عنوان مقاله‌ای از حسین رسول‌پور و محمدرضا قهرمان‌نژاد در نشریه پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی است. در این پژوهش، فقط صفت بیانی مدنظر نبوده بلکه به مطالعه تمام صفات پرداخته شده، در نتیجه،

شباهت‌ها و تفاوت‌های مقوله صفت در زبان‌های فارسی و فرانسه با توجه به ملاک‌های ساخت‌واژی و نحوی مورد بررسی قرار گرفته‌اند [...] مهم‌ترین تمایز صفت در زبان فارسی و فرانسه وجود جنس دستوری در زبان فرانسه و عدم وجود آن در فارسی است (۱۳۹۳: ۵).

شایان ذکر است که با جستجو در نشریه‌های فرانسوی زبان یا مطالعات زبان فرانسه پژوهشی به زبان فرانسه درباره این موضوع نیافتیم.

«بررسی مقابله‌ای نظام اعداد در زبان فارسی و فرانسه» عنوان مقاله‌ای از عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا، و رضا رضایی که در نشریه پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه (۱۳۹۷) به چاپ رسیده است. در این مقاله، پژوهشگران فقط به بررسی مقابله‌ای صفات شمارشی پرداخته‌اند و صفات بیانی جایگاهی در آن ندارد.

در رابطه با زبان روسی، حسین لسانی در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه صفت در زبان‌های روسی و فارسی» که در نشریه پژوهش ادبیات معاصر جهان به چاپ رسیده، به بررسی ویژگی‌های صفت و خصوصیات نحوی آن در این دو زبان پرداخته است (۱۳۸۳). مقاله «مقایسه توالی صفات در زبان روسی و فارسی» پژوهشی از محمدرضا محمدی و همکاران در نشریه جستارهای زبانی (۱۴۰۰) است. در این مقاله، توالی صفات در زبان روسی و میزان تطابق یا عدم تطابق این توالی در ترجمه به فارسی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

در این زمینه کتاب‌های بسیاری نیز به رشته تحریر درآمده از جمله دستور زبان فارسی امروز (غلامرضا ارژنگ، ۱۳۹۴)، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی بر بنیاد یک نظریه عمومی زبان (محمدرضا باطنی، ۱۳۸۹)، دستور زبان فارسی (تقی وحیدیان کامیار، غلامرضا عمرانی، ۱۳۹۴)، دستور زبان فارسی معاصر (ژیلبر لازار، ۱۳۹۳) و غیره. این آثار که به‌عنوان منابع مفید برای دانشجویان و پژوهشگران به‌شمار می‌روند به جایگاه صفات مختلف در سطح گروه‌واژه یا

جمله پرداخته‌اند. ولی کتابی که به مطالعهٔ تطبیقی این موضوع در سه زبان مورد مطالعه یا دو زبان از میان آن‌ها پرداخته باشد را مشاهده نکردیم.

۳. بحث و بررسی

۳-۱. صفات بیانی در فارسی، فرانسه و روسی

در زبان فارسی صفت بیانی کلمه‌ای است که در گروه صفتی قرار می‌گیرد، با موصوف مطابقت ندارد و صرف نمی‌شود، به‌عنوان مثال صفت «مهربان» در موارد ذیل تغییرناپذیر است: پسرِ مهربان / دخترِ مهربان / پسرانِ مهربان / دخترانِ مهربان. در زبان فرانسه صفت بیانی با موصوف در جنس (مذکر و مؤنث) و شمار (مفرد و جمع) کاملاً مطابقت دارد.

un garçon gentil / une fille gentille / des garçons gentils / des filles gentilles.

نکتهٔ دیگری که در این زبان وجود دارد ولی در فارسی موارد استفادهٔ آن بسیار اندک است محل قرارگیری صفات بیانی است. معمولاً، اکثر این صفات در فرانسه پس از موصوف قرار می‌گیرند و تعدادی نیز پیش از آن می‌آیند، ولی از لحاظ دستوری از قاعده‌ی مذکور پیروی می‌کنند:

un bon homme / une bonne femme / de bons hommes / de bonnes femmes

و این درحالی است که همین صفات در ترجمهٔ فارسی همیشه بعد از موصوف قرار می‌گیرند: مرد خوب، زن خوب، مردان خوب، زنان خوب. زبان فارسی، به صفاتی که بعد از اسم می‌آیند صفات پسین و چنانچه پیش از اسم بیایند صفات پیشین می‌گویند (رزمجو و همکاران، ۱۳۶۹، ص. ۲۲۳). البته همان‌طور که اشاره شد تعداد صفات پیشین محدودتر از صفات پسین است و به‌نظر می‌آید بیشتر در متون ادبی و به‌صورت صفت تخیلی به‌کار می‌روند: شیرزن، نیکوسرشت، شیرین سخن.

«گاهی صفات بیانی پیشین در فرانسه مانند *grand, petit, long* با کلمات دیگر یا اصطلاحی کامل می‌شوند، در این صورت بعد از موصوف قرار می‌گیرند» (Bonnard, 1990. p. 273).

un jardin grand comme la main/ une journée un peu trop longue

در مثال اول، صفت با یک اصطلاحی که بعد از آن آمده و در دومی با دو قیدی که قبل از صفت قرار گرفته کامل شده‌اند، ولی در حالت عادی بدین شکل استفاده می‌شوند:

un grand jardin/ une longue journée

در زبان روسی صفت^۱ و موصوف^۲ علاوه بر جنس (مذکر^۳، مؤنث^۴ و خنثی^۵) و شمار (مفرد^۶ و جمع^۷) در حالت نیز (فاعلی^۸، اضافه^۹، مفعولی^{۱۰}، متممی^{۱۱}، همراهی^{۱۲} و حرف اضافه^{۱۳}) با هم مطابقت دارند و این تطابق از طریق پایانه صرفی قابل تشخیص است. برای نمونه، ترکیبات وصفی پسرخوب/ دختر خوب/ پسرهای خوب/ دخترهای خوب در دو حالت فاعلی و اضافه آورده شده‌است:

حالت فاعلی:

добрый мальчик/ добрая девушка/ добрые мальчики/ добрые девушки

حالت اضافه:

доброго мальчика/ доброй девушки/ добрых мальчиков/ добрых девушек

1. Имя прилагательное / Adjectif

2. Имя существительное / Nom

3. Мужской род / Masculin

4. Женский род / Féminin

5. Средний род / Neutre

6. Единственное число / Singulier

7. Множественное число / Pluriel

8. Именительный падеж

9. Родительный падеж

10. Винительный падеж

11. Дательный падеж

12. Творительный падеж

13. Предложный падеж

باتوجه به این که جمع جنس ندارد، لذا در شمار جمع صرف نظر از جنسیت موصوف و صفت تنها در شمار و حالت با هم مطابقت می‌کنند.

در فارسی اگرچه صفت صرف نمی‌شود ولی بدون نشانه هم در کنار اسم قرار نمی‌گیرد، بلکه این وابستگی اسم به صفت با کسره اضافه بیان می‌شود. مانند دخترِ خوب. در مواردی که اسم به حروف صدادار (-ا و) یا «ه» ختم می‌شود به جای کسرهٔ اضافه، «ی» در انتهای اسم می‌آید و این «ه» بدل از کسره را نشان می‌دهد. هوایِ خوب. البته، در ارتباط با اضافه کردن «ی» به انتهای اسم دیدگاه‌ها متفاوت است و امروزه زبان‌شناسان معتقدند بهتر است همزه «ء» جای «ی» بنشیند، برای مثال بجایِ «میوه‌ی خوشمزه» بنویسیم «میوهٔ خوشمزه».

در زبان فرانسه، آنچه که مربوط به شمار است، «اگر از یک صفت بیانی برای دو اسم استفاده کنیم و اسم‌ها از یک جنس نباشند (مذکر و مؤنث) صفت به صورت جمع مذکر می‌آید» (Bonnard, 1990. p. 274).

Il portait une cravate et un veston blancs .

او کراوات و کت سفید بر تن داشت.

در این مثال هانری بونارد، کلمهٔ «کراوات» مؤنث و «کت» مذکر است، در نتیجه، طبق این قاعده دستوری، صفت «سفید» به صورت جمع مذکر آمده است.

از آنجایی که در فارسی مذکر و مؤنث نداریم و صفات بیانی نیز جمع بسته نمی‌شوند، چنین قانونی در این زبان وجود ندارد. در روسی اگر از یک صفت بیانی برای دو اسم با دو جنس متفاوت استفاده شود، اگر اسم خنثی و مؤنث باشد در این صورت، یک صفت برای دو موصوف و جمع به کار می‌رود مانند *вкусные яблоко и груша* (سیب و گلابی خوشمزه). در این مثال، باتوجه به پایانهٔ صرفی، سیب در زبان روسی خنثی و گلابی مؤنث محسوب می‌شود و مطابق با قوانین دستوری صفت خوشمزه به صورت جمع یعنی خوشمزه‌ها می‌آید. اگر اسم هم دارای دو صفت جداگانه باشد و با حرف ربط "и" به هم وصل شوند، در این صورت، صفات مطابق با جنس اسم به صورت مفرد و اسم در شمار جمع قرار می‌گیرد، برای مثال: *Русский и персидский языки* (زبان‌های فارسی و روسی). چنانچه از

یک صفت بیانی برای دو اسم با جنسیت های مذکر و مؤنث استفاده شود، در این صورت، الویت با مذکر است. برای مثال: **Русский язык и литература** (زبان و ادبیات روسی). در فارسی برخی از صفات بیانی به صورت اسم و قید نیز به کار می روند مانند صفت «خوب» در مثال های ذیل: **مرد خوب آمد**. (خوب در نقش صفت) / **مرد خوب می دود**. (صفت خوب در نقش قیدی) / **خوبان روزگار** (خوبان در نقش اسم). در زبان فرانسه، صفت بیانی چنین نقشی را در مثال اول و سوم ایفاء می کند، ولی در نقش دوم یعنی قید، به استثناء چند صفت که به عنوان قید هم استفاده می شوند مانند **dur, cher, fort**، در بقیه موارد باید از قید مناسب استفاده کرد: **Le bon homme est arrivé** مثالی که در آن «خوب» به عنوان صفت به کار رفته، **Les bons du temps**، «خوبان» به صورت اسم استفاده شده، ولی در نقش دوم از قید **bien** استفاده می شود: **L'homme court bien**.

در زبان روسی هم صفت بیانی می تواند علاوه بر نقش صفتی به صورت قید و اسم هم به کار رود، برای نقش قیدی لازم است از صفت قید ساخته شود. لازم به توضیح است که بسیاری از قیدها به لحاظ ریشه، پایه و همچنین معنا با صفات مشترک هستند، مانند **хороший** (خوب) **хорошо** (خوب). معمولاً چنین قیدهایی که ریشه مشترک با صفات دارند دارای پسوند **-о** هستند.

Пришел хороший мужчина. \ Мужчина хорошо бежит.

صفات در جمله اغلب به عنوان «متمم صفتی» در ترکیب با اسم (موصوف) به کار می روند. گروه واژه ای را که از ترکیب اسم (به عنوان موصوف) با صفت (به عنوان متمم صفتی) بوجود می آید، «گروه واژه صفت و موصوف» یا ترکیب وصفی می نامیم. در زبان روسی محل قرار گرفتن صفت به عنوان متمم صفتی معمولاً قبل از موصوف است.

Это хороший студент. این دانشجوی خوبی است

به گفته زهرایی، در زبان روسی «گروه واژه صفت و موصوف» در جمله ها در نقش های دستوری مختلف به کار می رود: صفات همچنین می توانند در ترکیب با اسم یا ضمیر در ساختار جمله های اسمیه، به عنوان «بخش اسمی گزاره» به کار روند. محل قرار گرفتن صفت به عنوان بخش

اسمی گزاره، بعد از اسم یا ضمیر (یعنی بعد از نهاد) است. **Этот студент хороший.** این دانشجو خوب است. (زهرايي، ۱۳۸۲، ص. ۱۲۰).
 درارتباط با نقش سوم، از آنجایی که در زبان روسی صفات معمولاً قبل از اسم قرار می‌گیرند، ولی در مواردی که صفت به جای اسم بیاید به تنهایی یا همراه با صفت دیگری هم می‌تواند به کار رود و ویژگی‌های صفتی خود را هم حفظ کند.

- **Рабочий день** начался.

روز کاری شروع شد.

- **Рабочий** пришёл на завод в 9:50.

کارگر ساعت ۹:۵۰ به کارخانه رسید.

Рабочий به معنای (کاری) در جمله اول در نقش صفت به همراه موصوف با کلمه **Рабочий день** (روز) به کار رفته است و ترکیب به دست آمده وصفی است. در جمله دوم **Рабочий** در نقش اسم و فاعل جمله ظاهر شده و به معنای کارگر است (Редькина, 2008).
 در زبان فارسی هم گاهی صفت بدون موصوف به کار می‌رود، در این صورت، صفت در جمله نقش اسم را دارد:

- **مرد دانشمند** آمد. (دانشمند در این ترکیب اضافی، صفت برای مرد است)

- **دانشمند** آمد. (صفت دانشمند در نقش اسم)

درارتباط با توالی صفات در زبان روسی می‌توان گفت معمولاً صفات کیفی پیش از صفات نسبی قرار می‌گیرند و درعین حال، ضمائر صفتی هم بر صفات کیفی و نسبی مقدم است. در فرانسه، «گاهی برای بیان حالت انجام فعل توسط فاعل از صفت بیانی استفاده می‌شود و این صفت در شمار و جنس با فاعل مطابقت می‌کند» (Bonnard, 1990. p. 271).

Nous assistons attentifs à l'épreuve.

ما **بادقت** در این آزمون شرکت می‌کنیم.

در ترجمه فارسی، صفت فرانسه به صورت قید آمده است. در فرانسه نیز، به جای این صفت به درستی می‌توان از قید مربوطه استفاده کرد:

Nous assistons attentivement à l'épreuve.

نکته مهم دیگری شایان ذکر است: گاهی صفت بیانی در فرانسه که مربوط به فاعل جمله است قبل از اسم خود در اول جمله قرار می‌گیرد، با یک کاما از بقیه جمله جدا شده و با آن اسم مطابقت می‌کند. این صفت از لحاظ دستوری یکی از موارد «بدل»^۱ محسوب می‌شود:

Très actives, ces étudiantes organisent beaucoup d'événements culturels.

این دانشجویان بسیار فعال مراسم فرهنگی زیادی برگزار می‌کنند.

Construite en trente jours, cette maison n'est pas très solide.

این خانه که در طول سی روز ساخته شده خیلی محکم نیست.

این در حالی است که در ساختار دستوری زبان فارسی صفت بیانی چنین نقش و جایگاهی ندارد، بنابراین، همان‌طور که در ترجمه این جملات نیز مشاهده می‌شود، صفات همیشه بعد از موصوف قرار گرفته‌اند.

در زبان روسی گروه خاصی از کلمات شبیه صفات هستند و در عین حال، برخی از ویژگی‌های صرفی و نحوی مربوط به فعل را هم دارند به چنین کلماتی صفت فعلی^۲ می‌گویند که از بن فعل ساخته می‌شوند و به‌طور هم‌زمان دارای ویژگی‌های صرفی و نحوی فعل (حالت، زمان، نمود) و صفت (شمار، جنس، حالت) هستند. صفات فعلی در زبان فارسی اغلب به کمک جمله‌های پیرو در ساختار جمله‌های مرکب وابسته و همچنین به کمک صفت مفعولی / فاعلی ترجمه می‌شوند: подаренная книга (کتاب هدیه شده)، написанное письмо (نامه نوشته شده).

Я положил подаренную книгу на стол.

من کتاب اهداء شده را روی میز گذاشتم.

^۱. La mise en apposition

^۲. Причастие

صفت فعلی می‌تواند قبل یا بعد از اسم به کار رود، چنانچه صفت فعلی بعد از اسم بیاید، در نوشتار با کاما (،) از اسم قبل از خود جدا می‌شود: ۱. قبل از اسم: прочитанная книга (کتاب خوانده‌شده)؛ ۲. بعد از اسم: книга, прочитанная (کتاب خوانده‌شده).

Этот дом, построенный за 30 дней, не очень прочный.

این خانه که در طول سی روز ساخته شده خیلی محکم نیست.

در زبان روسی معادل بدل واژه приложение است که همان ویژگی‌های بدل فارسی را دارد و مانند فارسی بعد از اسم می‌آید. در فارسی بدل با کاما از هر دو طرف و در زبان روسی با خط تیره از کلمه اول جدا می‌شود: Али- мой младший брат хорошо учится. علی، برادر کوچکم، خوب درس می‌خواند.

۲-۳. صفت بیانی و انواع آن

به گفته اغلب زبان‌شناسان ایرانی، صفت بیانی در فارسی به پنج نوع ساده (خوب، مهربان)، فاعلی (فروشنده، معلم)، مفعولی (نوشته‌شده، ارسال‌شده)، نسبی (ایرانی، روستایی) و لیاقت (دوست‌داشتنی، قابل‌پذیرش) تقسیم می‌شود. از نظر درجه‌بندی هم این صفات در سه دسته صفت مطلق، صفت تفضیلی (برتر) و صفت عالی (برترین) قرار می‌گیرند: زیبا (صفت مطلق) / زیباتر (صفت تفضیلی) / زیباترین (صفت عالی) (انوری و گیوی، ۱۳۷۰، صص. ۱۸۱-۱۳۸).

در زبان فرانسه نیز صفت بیانی تقسیم‌بندی خاص خود را دارد: bon, gentil به صورت ساده استفاده می‌شود، حالت فاعلی با پسوندهای مختلف مانند eur / euse, teur / trice, ier / ière, er / ère, ien / ienne, etc. معمولاً به پسوندهای شغل‌ساز معروف هستند و وقتی همراه اسم می‌آیند نقش صفت بیانی را ایفاء می‌کنند: vendeur, institutrice, boulangère, banquier زن، نانوی زن، بانکدار مرد.

البته، تعداد پسوندهای فاعلی بسیار زیاد است و ذکر تمام موارد در چهارچوب این مقاله نمی‌گنجد. بنابراین، ما به ذکر چند مثال اکتفا کرده‌ایم. نوع دیگری از صفت فاعلی در فرانسه داریم که به «ant» ختم می‌شوند و در جنس و شمار با موصوف خود مطابقت می‌کنند:

Un repas appétissant / des tartes aux pommes appétissantes

معنای این صفات چنین است: غذای اشتهاآور، پای سیب‌های اشتهاآور.

در رابطه با صفات مفعولی، در فرانسه نیز مانند فارسی از اسم مفعول^۱ تمام افعال می‌توان استفاده کرد:

les lettres écrites, les cadeaux envoyés

معنای این صفات چنین است: نامه‌های نوشته شده، هدایای ارسال شده.

از نظر هانری بونارد،

صفات بیانی در فرانسه جایگاه پسین و پیشین دارند و همیشه تابع قوانین جنس و شمار هستند {...} عوامل زیادی در محل قرارگیری صفت دخیل هستند، به عنوان مثال صفاتی که بیشتر کمیت، تعداد و مرتبه را بیان می‌کنند قبل از اسم قرار می‌گیرند:

Une grande foule, la seule occasion, le prochain voyage

که به ترتیب به معنای جمعیت زیاد، تنها موقعیت و سفرآتی است» (Bonnard, 1990. p. 272).

صفات نسبی همچون بیانگر تعلق فرد یا شیء به محلی (شهر، روستا، کشور، قاره، منطقه، غیره) است و با پسوندهای مختلف در این زبان ساخته می‌شوند: parisien, française, villageois, africaines معنای این صفات چنین است: پاریسی (مذکر)، فرانسوی (مؤنث)، روستایی (مذکر)، آفریقایی (مؤنث جمع).

در زبان روسی، صفات بیانی به دو دسته توصیفی و نسبی تقسیم می‌شوند. در حالت توصیفی به ویژگی‌ها و خصوصیات اشاره دارند که به درجه‌های مختلف در اشیاء و پدیده‌ها وجود دارند و این موارد را در برمی‌گیرند: ۱. اندازه، حجم маленькая комната اتاق کوچک؛ ۲. رنگ голубое небо آسمان آبی؛ ۳. طعم و مزه сладкое яблоко سیب شیرین؛ ۴. وزن тяжёлый чемодан چمدان سنگین؛ ۵. درجه حرارت теплая погода هوای گرم؛ ۶. ویژگی‌ها و صفات گوناگون اشیاء интересная книга کتاب جالب. صفات نسبی به ویژگی‌ها و خصوصیات اشیاء اشاره دارند و نسبت شیء را با شیء دیگر نشان می‌دهند، در نتیجه

^۱. Le participe passé

می‌توانند نشانگر نسبت‌های زیر باشند: ۱. ماده‌ای که شیء از آن ساخته شده و بیانگر جنس است (каменный дом (дом из камня) خانه سنگی (خانه ساخته شده از سنگ)؛ ۲. شخصی که چیزی از آن اوست (отцовский дом (дом отца) خانه پدری (از واژه پدر در این جا صفت نسبی ساخته شده است که در ترجمه به فارسی به صورت ملکی هم بیان می‌شود؛ ۳. زمان مرخصی یک‌ماهه؛ ۴. مکان городской транспорт حمل و نقل شهری؛ ۵. آنچه که ویژگی خاصی دارد و بیانگر تخصیص است студентское общежитие خوابگاه دانشجویی. (پولکینا، ترجمه اکبری پور، ۱۳۷۱، صص. ۲۱۲-۲۱۴).

هنگامی که صفات نسبی مفهوم مجازی داشته باشند در شمار صفت‌های توصیفی قرار می‌گیرند، برای مثال-در ترکیب железная крыша شیروانی آهنی، صفت железная نسبی است، اما همین ترکیب железная воля اراده‌ی آهنین توصیفی به‌شمار می‌آید. (همان).

۳-۳. نقش‌های دستوری صفت بیانی

صفت بیانی در زبان فارسی دارای چهار نقش متفاوت است: توصیفی: دختر خوب؛ مسند در جملات اسنادی: این دختر خوب است (منتسب به فاعل)؛ در نقش قید در جملات غیراسنادی: این دختر خوب درس می‌خواند؛ در نقش مسند در جملات غیراسنادی: دخترم خوشحال آمد (منتسب به فاعل) / دخترم را خوشحال دیدم (منتسب به مفعول) (انوری، گیوی، ۱۳۷۰: ۱۳۷).

نقش‌های دستوری این نوع صفت در فرانسه به استثناء گروه سوم در بقیه موارد مشابه فارسی است با تنها تفاوتی که در فارسی صفت بیانی غیرقابل تغییر ولی در فرانسه از قانونی که پیشتر ذکر شده تبعیت می‌کند.

une bonne fille / Cette fille est bonne. / Cette fille étudie bien. / Ma fille est venue contente. / J'ai vu ma fille contente.

همان‌طور که اشاره شد، در مثال سوم به‌جای صفت bon (خوب) از bien یعنی قید آن استفاده شده است.

همچنین، مانند صفت بیانی در فارسی که به دو صورت می آید: گل زیبا (موصوف و صفت)؛ این گل زیباست (این گل مسند الیه و زیباست مسند جمله)، در فرانسه نیز این دو ساختار وجود دارد که در اولی صفت بیانی *épiphète* نامیده می شود و در دومی *attribut*.
 از لحاظ دستوری صفت در زبان روسی در دو نقش زیر به کار می رود: توصیفی، در مدرسه ما
 معلمان متعهدی کار می کنند (*В нашей школе работают ответственные*)
 (*Учителя*)؛ مسندی: پاسخ دانشجو دقیق و واضح است (*ответ ученика точен и ясен*).

۴-۳. صفت بیانی در استفاده بلاغی

صفت بیانی علاوه بر استفاده عادی خود که بیانگر رنگ، شکل، ارزش، اندازه، مزه، مقدار، قد، فعالیت، مفعولیت، نسبت و غیره است می تواند به صورت تخیلی و خارج از روابط دستوری و معنای لغوی خود استفاده شود. در چنین حالتی، این صفت مشابهت، مجاورت (کنایی و مجازی)، تمثیل، نماد و اسطوره را نشان می دهد (شبان قوچان عتیق و همکاران، ۱۳۹۸، صص. ۱۷۴-۱۵۵). نکته دیگر این که در این موارد صفات محدودیتی ندارند و معمولاً در زبان ادبی (نظم و نثر) استفاده می شوند. برای مثال «صورت آتشین» نشان دهنده چهره ای برافروخته است که اشاره به آتش دارد، یا «رفتار سرد» ربطی به درجه هوا ندارد بلکه سردی در روابط انسانی را به دلایل مختلف بیان می کند.

در ادبیات فارسی، این نوع صفت زینت بخش اشعار حافظ، مولانا، سعدی و همچنین متون شعرای معاصر از جمله سهراب سپهری است که به عنوان مثال به قسمتی از یک متن وی اشاره می کنیم:

«بین همیشه خراشی است روی صورت احساس

همیشه چیزی، انگار هوشیاری خواب

به نرمی قدم مرگ می رسد از پشت

و روی شانه ما دست می گذارد

و ما حرارت انگشت های روشن او را

بسان سم گوارایی

کنار حادثه سر می کشیم...» (مسافر، ۱۳۴۵، ص. ۸۷)

در این متن، «هوشیاری خواب» در حالت جان‌بخشی گرمای انگشت‌های روشن خود را مانند سم گوارایی به خورد انسان می‌دهد.

در زبان فرانسه این صفات به‌وفور در متون ادبی و رسانه‌ای استفاده می‌شوند و در پوشش آرایه‌های مختلف از جمله استعاره^۱، مجاز^۲، همچنین معنای ضمنی^۳ و حسن تعبیر^۴ نظر نویسنده، شاعر، روزنامه‌نگار و غیره را به خوانندگان القاء می‌کنند. در ترکیب *un visage enflammé* صفت *enflammé* به معنای برافروخته از شعله آتش گرفته شده و کاملاً به صورت استعاره استفاده می‌شود. *un comportement froid* همان رفتار سرد است که معنای ضمنی و استعاری سرد را بیان می‌کند.

در این جا، نگاهی به ترجمهٔ فرانسه و روسی این بخش از شعر سهراب سپهری می‌اندازیم تا استفاده از این نوع صفات را به صورت بلاغی ببینیم:

«Tu vois, il y a toujours une légère blessure sur les sentiments.

Toujours quelque chose, on dirait la conscience du sommeil,

Qui arrive tout doucement comme la mort

Posant la main sur nos épaules,

En côtoyant tout incident,

Nous prenons la chaleur de ses *doigts transparents*

Comme un *poison agréable*» (Voyageur, 2021, p.86)^۵

چنان‌چه مشاهده می‌کنیم، این صفات به همان صورت در فرانسه استفاده شده‌است.

^۱. La métaphore

^۲. La métonymie

^۳. Le sens connotatif

^۴. L'euphémisme

^۵. Deux poèmes de Sohrâb Sépéhri, traduit par Nahid Djalili Marand et al., deuxième édition, 2021.

در زبان روسی هم صفات بلاغی در متون ادبی و رسانه‌ای به وفور وجود دارد و از آن معنای مجازی هم برداشت می‌شود. مجاز در زبان روسی به سه نوع استعاره^۱، مجاز مرسل^۲ و مجاز جزء به کل^۳ تقسیم می‌شود.

«Знай, что всегда в скрижалях чувств узреть ты можешь рану
небольшую.

Как будто явь причудилась тебе во сне,

и смерть ступает мягко за спиною,

и длань свою на плечи нам кладёт

и мы тепло ее перстов бальзамом

утешительного яда принимаем и голову перед ней склоняем»
(Путешественник, 2021, с. 87).

در ترجمه روسی این قسمت از شعر «مسافر» سهراب سپهری «حرارت انگشت‌های روشن»
و «سم گوارایی» معنای مجازی خود را به درستی منتقل می‌کند.

۳-۵. صفت بیانی در اسامی مرکب

صفات بیانی در گروه دیگری از کلمات مورد استفاده قرار می‌گیرند که به اسامی مرکب معروفند. ترکیب این کلمات بسیار متنوع است که دو دسته از آن مربوط به پژوهش ما می‌شود. اولی ترکیب اسم و صفت مانند پدربزرگ و دومی از ترکیب دو صفت به دست می‌آید مانند کر و لال. اسامی مرکب معمولاً در اکثر زبان‌های زنده دنیا از جمله سه زبان مورد مطالعه در این مقاله وجود دارد ولی ساختار آن‌ها از زبانی به زبان دیگر به احتمال زیاد متفاوت است.

در فرانسه کلمات بسیاری بر پایه دو گروه مذکور تشکیل شده مانند *grand-père, beaux-parents, belle-mère, petit-enfant* که به ترتیب به معنای پدربزرگ، والدین همسر(زن و شوهر)، مادرزن / مادرشوهر / مادر ناتنی، نوه است. همان‌طور که ملاحظه می‌کنیم، به جز کلمه «نوه» معادل فارسی این اسم‌ها نیز مرکب است و در برخی موارد مانند «مادرزن / مادرشوهر /

1. Метафора

2. Метонимия

3. Синекдоха

مادرناتنی و والدین همسر» صفت به‌کار نرفته است. برای تمامی این واژه‌ها در زبان روسی یک کلمه مستقل وجود دارد که به‌صورت اسم به‌کار می‌رود، برای مثال: дедушка, тёща (мать жены)/свекровь (мать мужа), мачеха (неродная мать), внучка, تفاوتی که زبان روسی با دو زبان دیگر دارد این است که این کلمات بدون صفت و به‌عنوان اسم ساده استفاده شده‌است.

در فرانسه اسامی گروه دوم که از دو صفت تشکیل شده مانند *sourd-muet, bleu-clair, vert-foncé* در فارسی به‌ترتیب چنین معادل‌هایی دارند: کرولال، آبی روشن، سبز تیره. گروه دوم کاملاً با معادل‌های فرانسه از لحاظ ترکیب کلمات مطابقت دارد. نکتهٔ مهم در این دو نوع اسامی مرکب فرانسه تبعیت آن‌ها از قانون شمار و جنس در این زبان است، به‌عنوان مثال *sourde-muette* مؤنث اسم «کرولال» است و در جمع در هر دو جنس "s" به هر دو بخش اضافه می‌شود. نکتهٔ مهمی که در فرانسه هست ولی در فارسی وجود ندارد خط تیره بین دو جزء کلمات مرکب است.

صفت بیانی در زبان روسی هم برای گروه اسم مرکب به‌کار می‌رود، گاهی با حرف "o" دو بخش به هم وصل می‌شود و گاهی مانند زبان فرانسه بین دو جزء کلمات مرکب خط تیره وجود دارد (Розенталь, 1991). واژه به‌دست آمده دارای ویژگی‌های ظاهری صفت بوده و مانند آن صرف می‌شود، در ترجمه به فارسی ممکن است با ترکیب وصفی یا اضافی بیان شود: глухонемой (کرولال)؛ тёмно-фиолетовый (بنفش تیره)؛ кисло-черноглазый (سیاه‌چشم).
 сладкий (ترش‌وشیرین)؛ тёмноглазый (چشم‌مشکی)؛

باتوجه به ساختار زبان روسی که از نوع ترکیبی است، یعنی معانی متفاوت یک کلمه توسط تکواژهای اضافه‌شده به کلمه بیان می‌شوند، ساخت کلمات طبق قوانین نظام‌مند زبان روسی صورت می‌گیرد، مثلاً صفات *наивный* (ساده‌لوح) از واژهٔ فرانسوی *naïf* کلمه *серёзный* (جدی) از واژهٔ فرانسوی *sérieux*، *колоссальный* (کلان) از واژهٔ *colossal* با افزودن پسوند -н- ساخته می‌شوند.

ترکیب یک عدد در حالت اضافی (به ندرت در حالت فاعلی) معمولاً از عناصر سازنده صفات مرکب در زبان روسی به شمار می‌رود، مانند *двухчасовой* (دوساعته)، *шестиэтажный* (شش طبقه) (مدائنی، ۱۳۷۹، ص. ۱۱۶).

۴. نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی صفات بیانی در زبان‌های فارسی، فرانسه و روسی از ورای مثال‌های متعدد وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها را برای ما روشن نمود. در رابطه با ملاک‌های تشخیص صفت، در زبان فارسی بیشتر شاخص‌های نحوی مدنظر است، ولی در فرانسه و روسی ساخت‌وازی و نحوی با هم در نظر گرفته می‌شوند. تغییرپذیری صفات از نظر جنس (مذکر و مؤنث) و شمار (مفرد و جمع) در فرانسه و روسی قاعده‌ای بدیهی در دستور زبان آن‌هاست، در صورتی که صفات بیانی در فارسی تغییرناپذیرند چرا که مذکر و مؤنث در این زبان وجود ندارد. همچنین، از لحاظ مفرد و جمع، این نوع صفات همیشه به صورت مفرد به کار می‌روند گرچه موصوف آن‌ها جمع باشد.

در فارسی صفت بیانی دارای چهار نقش است: توصیفی، اسنادی، قید، مسند. در زبان فرانسه، به استثناء گروه سوم که در موارد نادری وجود دارد، نقش‌های دستوری این صفت مشابه فارسی است، ولی صفت بیانی در زبان روسی دارای دو نقش توصیفی و مسندی است. در فارسی، برخی از صفات به صورت اسم و قید به کار می‌روند، ولی در فرانسه، موارد استفاده از صفت به عنوان قید بسیار محدود بوده و مانند زبان روسی، در اغلب موارد برای چنین نقشی لازم است از صفت قید ساخته شود.

صفت گاهی در فرانسه قبل از موصوف خود در اول جمله قرار می‌گیرد و نقش بدل را ایفا می‌کند، ولی در ساختار دستور زبان فارسی و روسی صفت بیانی چنین نقش و جایگاهی ندارد. همچنین، صفات بیانی علاوه بر استفاده عادی خود، در ادبیات هر سه زبان به صورت بلاغی در معنای استعاری و مجازی خود به کار می‌روند، نکته مهمی که از نقاط اشتراک این زبان‌ها به شمار می‌رود. حضور پررنگ این صفات در اسامی مرکب فارسی و فرانسه نیز قابل تأمل است، در صورتی که معادل اغلب این کلمات در زبان روسی بدون صفت و به عنوان اسم ساده استفاده می‌شوند.

شایان ذکر است که این مطالعه تطبیقی می‌تواند در ابعاد مختلف و در رابطه با زبان‌های دیگر در پژوهش‌های آتی انجام شود تا هریک از اجزاء تشکیل‌دهنده جمله مورد بررسی و تحلیل قرارگیرند.

منابع

- ارژنگ، غ.ر. (۱۳۹۴). *دستور زبان فارسی / امروز*. تهران: قطره.
- ارژنگ، غ.ر. (۱۳۵۰). *صفت و نقش دستوری آن در زبان فارسی*. *زبان و ادب*، شماره هفتاد و هفت، صص ۱-۲۸.
- البرزی ورکی، پ. (۱۳۸۲). *بررسی مقایسه‌ای صفت در زبان‌های فارسی و آلمانی*. *پژوهش زبان‌های خارجی*، (۱۴)، صص ۳-۱۴. SID. <https://sid.ir/paper/83292/fa>
- انوری، ح.، احمدی گیوی، ح. (۱۳۷۰). *دستور زبان فارسی ۲*. چاپ چهارم، تهران: فاطمی.
- باطنی، م.ر. (۱۳۸۹). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی بر بنیاد یک نظریه عمومی زبان*. تهران: امیرکبیر.
- پولکینا ای.ام.، زاخاوا ا.ب. (۱۳۷۱). *دستور زبان روسی: ساخت و صرف واژه (۱)*. ترجمه ع. اکبری پور، تهران: نشر آزمون.
- رزمجو، ح.، رکنی، م.م. (۱۳۶۹). *فارسی و ائین نگارش*. تهران: شرکت چاپ و نشر ایران.
- رسول پور، ح.، و قهرمان نژاد م.ر. (۱۳۹۳). *بررسی مقایسه‌ای ساختار و نقش صفت در زبان‌های فارسی و فرانسه*. *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*، ۶ (۱)، صص ۵-۲۰.
- زهرایی، ح. (۱۳۸۲). *دستور زبان روسی*. تهران: سمت.
- شبان قوچان عتیق، طاووسی، ماحوزی. (۱۳۹۸). *صفات بلاغی با تکیه بر جنبه‌های کنایی آن در غزلیات سعدی شیرازی*. *پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت*، ۸ (۲)، ۱۵۵-۱۷۴. doi: 10.22059/jlcr.2020.74943
- لازار، ژ. (۱۳۹۳). *دستور زبان فارسی معاصر*. تهران: هرمس.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، ع.، رضایی ر. (۱۳۹۷). *بررسی مقابله‌ای نظام اعداد در زبان فارسی و فرانسه*. *پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه*، (۱)، ۱۹۳-۱۹۷. doi: 10.22067/rllf.v0i0.19362

لسانی، ح. (۱۳۸۳). مقایسه صفت در زبان‌های روسی و فارسی. پژوهش ادبیات معاصر جهان، ۹ (۱۷)، صص ۱۱۵-۱۲۶.

مدائینی، ع. (۱۳۷۹). درآمدی بر واژه‌سازی زبان روسی. قم: مهدیه.

محمدی، م.ر.، علیاری شوره دلی، م.، و سعادت، ع. (۱۴۰۰). مقایسه توالی صفات در زبان روسی و فارسی. دو ماهنامه علمی-پژوهشی جستارهای زبانی، دوره ۱۲ شماره ۱ (پیاپی ۶۱) فروردین و اردیبهشت. صص ۳۹۹-۴۲۵. <https://doi.org/10.29252/LRR.12.1.13>.

ناتل خانلری، پ. (۱۳۸۸). دستور زبان فارسی. تهران: توس.

وحیدیان کامیار، ت.، و عمرانی، غ.ر. (۱۳۹۴). دستور زبان فارسی ۱. تهران: سمت.

Deux poèmes de Sohrâb Sêpêhri (2021). traduit par Nahid Djalili Marand et al., deuxième édition, Téhéran, Silk Roud Publication.

Bonnard Henri (1990). *Code du Français courant*, Paris, Magnard.

Редькина М.А. (2008). *Русский язык в грамматических таблицах: учебное пособие для изучающих русский язык как иностранный*. - М.: Русский язык. Курсы.

Розенталь Д.Э., Голуб И.Б., Теленкова М.А. (1991). *Современный русский язык*. - М.: Высшая школа.